

**سابقون**، تعبیری قرآنی به معنای پیشگامان در کارهای خیر و طاعت الهی. سابقون صیغه جمع مذكر اسم فاعل از مصدر سَبَقَ، به معنای پیشی گیرندگان، است. به اسب پیشرو در مسابقه، سابق و سَبوق گفته می شود (ازهری؛ ابن-منظور، ذیل «سبق»). سَبَق در مقابل لُحوق، در اصل، به معنای پیش افتادن در راه است و مجازاً درباره هر پیشی گرفتن و تقدم یافتنی به کار می-رود، مانند تعبیر «ما سبقونا الیه» (در پذیرش اسلام بر ما پیشی نمی-گرفتند) در آیه 11 سوره احقاف. به طور مستعار، برای کسب فضائل و برتری بر دیگران نیز به کار رفته است، مانند «والسابقون السابقون» در آیه 10 سوره واقعه (رجوع کنید به فراهیدی؛ راغب اصفهانی؛ ابن منظور؛ مصطفوی، ذیل «سبق»). استباق نیز به معنای مسابقه دادن و پیشی گرفتن بر یکدیگر است، مانند «آتا ذهبنا نستبق» (ما رفتیم که مسابقه بدهیم؛ یوسف: 17؛ رجوع کنید به راغب اصفهانی، ذیل «سبق»).

از 37 مرتبه ای که سَبَق و مشتقات آن در قرآن کریم به کار رفته، هشت مورد اسم فاعل «سابق» است که در تمامی این موارد معنای پیشی گرفتن وجود دارد. از این هشت مورد، دو آیه توصیه به امت مسلمان برای پیشی گرفتن در خیرات است (بقره: 148؛ مائده: 48)، یک آیه توصیه به انسانها برای پیشی گرفتن به سوی بخشایش پروردگار و بهشت (حدید: 21) و پنج آیه وصفهایی درباره برخی از «سابقون» است، مانند برادرانی که در ایمان مقدم بوده اند (حشر: 10)، نخستین مسلمانان از مهاجران و انصار (توبه: 100)، وارثان کتابهای آسمانی (فاطر: 32) و برخی از مؤمنان و مقربان (مؤمنون: 61-57؛ واقعه: 10). بنابراین، به نظر می-رسد واژه سابقون در قرآن به طور کلی برای وصف کسانی به کار رفته که در نیکیها (خیرات) جلودار هستند، از جمله در ایمان یا در عمل به دستورهای کتابهای آسمانی. بر اساس آیه-های قرآن، ویژگیهای این افراد با ویژگیهای مؤمنان حقیقی مشابه است، چنانکه مطابق آیه 57 تا 61 سوره مؤمنون، افرادی که در کارهای نیک شتاب می کنند و در آن سبقت می گیرند، کسانی هستند که از خشیت پروردگار می-ترسند، به نشانه های او ایمان دارند، به او شرک نمی ورزند، از آنچه خدا به ایشان داده انفاق می کنند و همواره در اندیشه بازگشت به سوی پروردگارند.

آیاتی که درباره معنای سابقون مباحث فراوانی برانگیخته، آیات 10 و 11 سوره واقعه است که سابقون را، پس از دو دسته «اصحاب میمنه» و «اصحاب مشئمة» (رجوع کنید به جنة\*؛ جحیم\*)، در دسته بندی سه گانه انسانها ذکر کرده است؛ «والسابقون السابقون. اولئک المقربون». برخی از مفسران معتقدند که در دو واژه مکرر سابقون در این آیه، متعلق سبقت در هر مورد متفاوت است و این دو کلمه را مبتدا و خبر می-دانند (رجوع کنید به سمرقندی؛ زمخشری؛ فخررازی، ذیل آیه). برخی مفسران (رجوع کنید به طبرسی؛ ابوحیان اندلسی؛ طباطبایی، ذیل آیه) این وجه را نیز جایز دانسته-اند که السابقون دوم تأکید اولی باشد و جمله «اولئک المقربون» خبر آن. در این صورت، معنای عبارت چنین خواهد بود که سابقون به درجه ای از برتری و فضیلت رسیده اند که گویا مقام آنان به وصف در نمی آید و بر همین اساس تعبیری که درباره ایشان به کار رفته از تعبیر مربوط به اصحاب میمنه بالاتر است که با «ما»ی تعجیه در «ما اصحاب المیمنة» (واقعه: 8) آمده است (رجوع کنید به ابن عاشور؛ سید قطب، ذیل آیه). فارغ از این نظریه، مسلم است که السابقون در این آیه درجانی بالاتر از دو دسته قبل، یعنی اصحاب میمنه و اصحاب مشئمة، دارند. بنا بر آیات بعدی (12-14)، جایگاه این افراد در بهشت است، گروهی از آنان از پیشینیان و اندکی از آنان از متأخران هستند. گرچه اغلب مفسران (رجوع کنید به مقاتل بن سلیمان؛ طبری؛ طبرسی؛ زمخشری؛ بیضاوی؛ آلوسی؛ طباطبایی، ذیل آیه) پیشینیان (الاولین) را امتهای پیش از اسلام و متأخران را امت اسلام معنا کرده-اند، اما در جمع بین این دیدگاه و بین روایتی که از ابوهریره نقل شده است، اختلاف وجود دارد. از ابوهریره نقل شده وقتی آیه 13 و 14 سوره واقعه نازل شد، بر مسلمانان گران آمد که سابقون از امتهای پیشین بسیار باشند و از امت اسلام اندک. پس آیه 39 و 40 نازل شد (گروهی از پیشینیان و گروهی از متأخران) و پیامبر صلی-الله علیه وآله وسلم به صحابه فرمود شما دو سوم، بلکه نیمی، از بهشتیان هستید و در نیم دیگر نیز با پیشینیان شریک خواهید بود (رجوع کنید به احمد بن حنبل، ج 2، ص 391؛ ابن ابی حاتم رازی، ج 10، ص 3330). برخی گفته اند شاید مراد از پیشینیان، مردم صدر اسلام و مراد از متأخران مسلمانان دوره های بعدی اند (رجوع کنید به طبرسی؛ قرطبی، ذیل آیه). زمخشری (ذیل آیه) روایت ابوهریره را نپذیرفته و آن را به دو دلیل نادرست شمرده است: 1) آیه 13 و 14 درباره السابقون است و آیه 39 و 40 در مورد اصحاب یمین، 2) نسخ در اخبار جایز نیست (نیز رجوع کنید به فخر رازی؛ طباطبایی، ذیل آیات). آلوسی (ذیل آیات) به زمخشری چنین پاسخ گفته است که شاید وقتی صحابه آیه اول را شنیدند گمان کردند تعداد اصحاب یمین در امت اسلام اندک است، پس آیه دوم نازل شد تا این نگرانی آنها درباره اصحاب یمین برطرف شود و این مورد از موارد نسخ اخبار نیست. به نظر می-رسد بهترین وجه در رفع این اشکال از فخر رازی (ذیل آیه) است که گفته گرچه سابقون از امت اسلام اندک-اند و از امتهای پیشین زیاد، اما خدا بر امت اسلام رحمتی نازل کرده و چیزهایی را بر آنان بخشیده که بر دیگران بخشیده و به پیامبر آنها مقام شفاعت داده است که در نتیجه تعداد نجات-یافتگان آنها که از اصحاب یمین هستند بسیار است (برای دیگر وجوه جمع این تعارض رجوع کنید به بیضاوی؛ آلوسی؛ ابن عاشور، ذیل آیات).

یکی دیگر از موارد بحث در این باره، تعبیر «السابقون الاولون» (توبه: 100) در مورد نخستین پیشگامان از مهاجرین و انصار است که خدا به آنها و کسانی که از ایشان به نیکی پیروی کنند، وعده خشنودی خود و بهشت

و رضایت آنها از خود را داده-است. درباره اینکه نخستین سابقون چه کسانی هستند آرای گوناگونی بیان شده، که از آن جمله است: کسانی که به دو قبله نماز خواندند، مسلمانانی که در جنگ بدر حضور داشتند، کسانی که بیعت رضوان را درک کردند، کسانی که پیش از هجرت اسلام آوردند و پیش از بدر مهاجرت کردند، آنان که در شهادت پیشی گرفتند، کسانی که در هجرت به حبشه یا مدینه پیشگام بودند (رجوع کنید به طبری؛ طوسی، تیان؛ ماوردی؛ طبرسی؛ ابوحیان اندلسی؛ طباطبایی، ذیل توبه: 100). به نظر می‌رسد آیاتی مانند آیه 10 سوره حدید - که در آن گفته شده است کسانی که پیش از فتح (مکه یا حذیبیه) انفاق کردند و جنگیدند، از کسانی که پس از آن، انفاق و کارزار کردند، برترند - به نوعی، بیان برخی مصادیق «السابقون الاولون» است (درباره فتح رجوع کنید به طبری؛ طبرسی، ذیل آیه). سید قطب (ذیل توبه: 100) سابقون را کسانی می‌داند که پیش از غزوه بدر هجرت کردند و «الذین اتبعوهم یا احسان» را کسانی که تا غزوه تبوک ایمان آوردند و از طریق مسلمانان قبل پیروی کردند و در راه ایمان سختی بسیار کشیدند (نیز رجوع کنید به طباطبایی، ذیل آیه). گرچه آیه، عام است و سبق و اتباع از امور نسبی اند و سابقون شامل همه کسانی است که از آغاز اسلام تا قیامت در ایمان آوردن سبقت بگیرند (طباطبایی، ذیل آیه). «سابقه» در اسلام ویژگی بسیار مهمی بوده که در مجادلات کلامی پس از رحلت پیامبراکرم، برای تعیین جانشین ایشان، تاثیر بسیاری داشته است (رجوع کنید به افسرالدین، ذیل «سابقه»).

بر اساس تفاسیر، برخی اموری که سابقون در آن پیشگام هستند عبارت اند از: ایمان، اسلام، اطاعت از خدا و انجام دادن اموری که خدا به آن دعوت نموده و رضای الهی در آن است، تصدیق و پیروی از انبیا، یاری کردن پیامبر اسلام، جهاد، انجام دادن امور خیر، برپاداشتن نمازهای پنج-گانه، توبه، صدقه و انفال اموال، فضائل اخلاقی و صفات پسندیده، و رفتن به مسجد (رجوع کنید به طبری؛ ثعلبی؛ میبیدی؛ طبرسی؛ سوراآبادی؛ قرطبی، ذیل واقعه: 10). همچنین، برخی اوصاف سابقون در قرآن و تفاسیر عبارت اند از: توکل به خدا، مداومت در عمل خیر، فانی شدن از صفات نفسانی، انس با قرآن، بهتر بودن باطن از ظاهر، برپا داشتن نوافل و مستحبات علاوه بر انجام دادن واجبات، اخلاص در کارها، الگو بودن برای دیگران، دارا بودن بلند مرتبه ترین درجات اهل سعادت، رسیدن به مقام قرب الهی، متنعم شدن از انواع نعمتهای بهشتی، نوشیدن از تسنیم که گواراترین شراب بهشتیان است، ورود به بهشت بدون حساب، و داشتن مقام شفاعت (رجوع کنید به قمی؛ ثعلبی؛ زمخشری؛ طبرسی، ذیل واقعه: 10؛ سمرقندی؛ آلوسی، ذیل فاطر: 32). علاوه بر اینها، در منابع روایی شیعه آمده است که سابقون، پیامبران و اولیای خدا هستند و خدا پنج روح در آنها قرار داده که عبارت است از: روح القدس، که اشیا را با آن شناختند؛ روح ایمان، که با آن از خدا خوف دارند؛ روح قوت، که با آن قادر به اطاعت از خدا هستند؛ روح شهوت، که با آن خواستار اطاعت خدا و بیزار از عصیان او شدند؛ و روح در جریانی که به وسیله آن در میان مردم رفت و آمد می‌کنند (محمدبن حسن صفار، ص 466؛ کلینی، ج 1، ص 271 - 272).

در روایات دیگری، به مصادیق السابقون به طور خاص اشاره شده، از جمله در روایتی از ابن عباس آمده که از پیامبراکرم راجع به معنای «السابقون السابقون» پرسش کرده و آن حضرت فرموده که جبرئیل گفته است آنها علی علیه السلام و شیعیان او هستند که به بهشت سبقت می‌گیرند (مفید، ص 298؛ طوسی، امالی، ص 72؛ حاکم حسکانی، ج 2، ص 295). ابن مردویه اصفهانی (ص 330) در تفسیر آیه 10 سوره واقعه از ابن عباس نقل می‌کند که آیه «السابقون السابقون» درباره حزقیل (مؤمن آل فرعون) و حبیب نجار\* (که داستانش در سوره یس آمده) و علی-بن ابی طالب نازل شده است، که هر یک در میان امت خویش پیشگام هستند و علی علیه السلام افضل آنهاست (نیز رجوع کنید به سیوطی؛ شوکانی؛ آلوسی، ذیل آیه). در روایات شیعه، علاوه بر انبیا و امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام، برخی صحابه بزرگ (مانند خدیجه، سمیه و پسرش عمار یاسر، سلمان فارسی، مقداد، ابودر و بلال) و برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام (همچون زراره بن اعین، ابوبصیر مرادی، محمدبن مسلم و بریدین معاویه عجل) از مصادیق سابقون دانسته شده اند (رجوع کنید به طبرسی، ذیل فاطر: 32؛ حویزی، ذیل توبه: 100، واقعه: 10). در روایتی نیز، به نقل از محمدبن سنان از داود بن کثیر رقی از امام صادق علیه السلام، آیه 10 سوره واقعه به خلق ازلی مخلوقات تفسیر، و گفته شده است که پیامبر و ائمه نخستین کسانی بودند که وارد آتشی شدند که برای آزمایش بندگی خدا مهیا شده بود و سپس شیعیان آنان وارد آتش شدند و از این رو آنان سابقون-اند (نعمانی، ص 91؛ حسن بن سلیمان حلی، ص 175 - 176؛ قس د. اسلام، ذیل مدخل، که تمامی مقاله خود را بر این اساس سامان داده و آن را با عقاید صوفیان و فرقه بابیه مقایسه کرده است).

منابع: شهاب الدین محمودبن عبدالله آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ عبدالرحمن بن محمدبن ابی حاتم رازی، تفسیر القرآن، چاپ أسعد محمد الطیب، صیدا، المكتبة العصرية؛ احمدبن موسی ابن مردویه اصفهانی، مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، چاپ عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین، قم 1424 - 1382 ش؛ محمدطاهر بن محمد شاذلی معروف به ابن عاشور، تفسیر التحریر والتنویر، تونس، دار سحنون 1997/1376؛ ابن منظور؛ ابوحیان محمدبن یوسف اندلسی، البحر المحیط، چاپ عادل احمد عبدالموجود/ علی محمد معوض، بیروت 1422/2001؛ احمدبن حنبل بغدادی،

مسند احمد، بيروت، دار صادر، [بی تا.]: ابومنصور محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، چاپ عبدالسلام محمد هارون، مصر 1384/ 1964؛ عبدالله بن عمر بیضاوی شیرازی، انوار التنزیل و اسرار التأویل معروف به تفسیر بیضاوی، بیروت 1330؛ ابواسحاق احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، چاپ ابی محمد بن عاشور، بیروت 2002/1422؛ عبدالله بن احمد معروف به حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، چاپ محمد باقر محمودی، تهران 1411/ 1990؛ عزالدین حسن بن سلیمان حلّی، مختصر بصائر الدرجات، نجف 1370/ 1950؛ عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم 1412/ 1370 ش؛ ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، قم 1404؛ زمخشری؛ ابواللیث نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر السمرقندی، چاپ محمود مطرچی، بیروت، دارالفکر؛ ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی، تفسیر سورآبادی، چاپ علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران 1380 ش؛ سیوطی؛ محمد بن علی بن محمد شوکانی، فتح القدر، چاپ سید ابراهیم، قاهره 2007؛ محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، چاپ حسن کوچه-باغی، تهران 1362 ش؛ طباطبایی؛ طبرسی؛ طبری، جامع؛ محمد بن حسن طوسی، الأمالی، چاپ الدراسات الإسلامیة، قم 1414؛ همو، التبیان؛ محمدفؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره 1364؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، قم 1410؛ محمد بن عمر فخررازی، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، بیروت 2000/1421؛ محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، چاپ ابراهیم اطیفیش، بیروت 1405/ 1985؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت 1386/ 1967؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، چاپ طیب موسوی جزائری، قم 1404؛ کلینی؛ علی بن محمد ماوردی، النکت والعیون، چاپ عبدالمقصود بن عبدالرحیم، بیروت 1992/ 1371؛ سید حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران 1360؛ محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، الأمالی، چاپ حسین استاد ولی/ علی اکبر غفاری، بیروت 1414/ 1993؛ مقاتل بن سلیمان، التفسیر، چاپ احمد فرید، بیروت 2003/ 1424؛ احمد بن محمد میبیدی، کشف الاسرار وعدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، چاپ علی اصغر حکمت، تهران 1361 ش؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبة، چاپ فارس حسون کریم، قم 1422؛

York 2006; Routledge. SABIQA (by Asma The Quran: an Encyclopedia. Edited by Oliver Leaman. New  
.MACEOIN .Afsaruddin); EI2. AL-SABIQŪN (by D

ثریا قطبی/

تاریخ انتشار اینترنتی: 1389/08/25